

اخبار



مبارزه سجاد غریبی با فابتر قزاق و شکست مقابل او در مدت زمانی کوتاه، واکنش‌های رسانه‌ای متعددی را به همراه داشته است؛ برخی بر این باورند که این پدیده عجیب که با عنوان «هالک ایرانی» مشهور است و تا شب گذشته حتی یک مبارزه رسمی هم نداشته، صرفاً به واسطه اعتماد به نفسی بالا و بازنمایی هویتی مجازی که بخش اعظم آن به مدد فتوشاپ شکل گرفته، شهرتی مجازی برای خود کسب کرده است و البته نگاه دیگری هم به ماجرا وجود دارد بر این مبنا، که او را برای باختن انتخاب کرده بودند.

به گزارش ایسنا، افشین خماند - روزنامه‌نگار ورزشی - از آن دسته افرادی است که نگاه دوم را به ماجرای سجاد غریبی دارد. او در این زمینه می نویسد: «در یکی از قسمت‌های سریال (بلک میروز)، به نام ۱۵ میلیون امتیاز، بینگ با شبیه‌تکه شده، در مقابل دوران تهدید می‌کند که خودش را می‌کشد تا از نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر کسب درآمد از نمایش است انتقام بگیرد، اما داروان همان نظام این نمایش را بر همه زیبایی‌های دیگران ترجیح می‌دهند و او برای نمایش عصیان انتخاب می‌شود و اینگونه عصیان هم نمایشی می‌شود. در تمدنی، در فرهنگی که به تعبیر یوسا همه آن نمایشی شده است».

خاندان با تاکید بر اینکه «سجاد غریبی برای باختن انتخاب شده‌است»، در توضیح این اظهار نظر آورده است: «چون مردم خسته از نمایش، له شدن نمایش فوتوشاپی را می‌خواهند، پس صنعت نمایش، همین نمایش را به آن‌ها هدیه می‌دهد. وگرنه هر کسی که او را ببیند، حتی در آن غافلگیر شدن‌های کری‌های وزن کشتی، جنس کلماتی را به کار می‌برد، نحوه ایستادنش، نوع ضربه زدن‌هایش، نوع کتک خوردنش همه نشان می‌دهد که او در عمرش، حتی به اندازه یک دعوا در رزنگ آبخوری مدرسه هم شریست. او بچه مثبتی است که فکر می‌کند به وسیله از هم باز کردن دست‌هایش و کشیدن قدش با نرم افزار سخن می‌شود. همین خوش‌حالی کودکانه او را آسایب خنده دیگران کرده است. او باخت و همه از این باخت، راضی هستند؛ چون فکر می‌کنند از محتواهای فیک و نمایشی دارند انتقام می‌گیرند. این هنر صنعت نمایش است که حتی نمایش همین را هم می‌تواند به ما بفروشد.

آیا او باز مبارزه خواهد کرد، باز خواهد باخت و ما باز خوشحال خواهیم شد؟ تجربه نشان می‌دهد تا وقتی نمایشی خریدار دارد روی پرده می‌رود، فقط وقتی سپیده بزند نمایش تمام است. مثل چراغ‌های روشن سینما که پایان نمایش را اعلام می‌کنند و ما را از راهروهای تنگ به سوی زندگی واقعی روانه می‌کنند.»

سریال «رسم عاشقی» جایگزین «داستان یک شهر» می‌شود

قسمت آخر سریال «داستان یک شهر» به تهیه‌کنندگی فریاد خرم‌محمودی و کارگردانی محمدرضا اهنج امشب پخش می‌شود. پس از پخش قسمت آخر «داستان یک شهر»، سریال قدیمی «رسم عاشقی» به کارگردانی سعید سلطانی و اسماعیلی از سه‌شنبه ۱۱ مرداد ماه - ساعت ۱۹ روی آنتن شبکه تهران می‌رود و همان شب ساعت ۲۳ بازپخش خواهد شد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی شبکه پنج سیما، این سریال در ژانر درام - مذهبی و تاریخی محصول سال ۸۴ - ۱۳۸۳ شبکه پنج سیما است و هنرمندانی همچون: زنده یاد استاد محمد علی کشاورز، لاله اسکندری، سروش صحت، مینا جعفرزاده، افسانه پاکرو، محمود عزیزی و … در آن نقش آفرینی کرده‌اند. «رسم عاشقی» در ۲۴ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای تولید شده است تا روایتگر بخشی از تاریخ معاصر یعنی مهرماه ۱۳۳۰ باشد.

به گزارش ایسنا، از مجری به عنوان ویتترین تلویزیون یاد می‌شود؛ این ویتترین اگر درست و متناسب به محتوای مد نظر چیدمان شده باشد، برنامه را به اوج می‌برد، مخاطب را تا انتها پای گیرنده نگه می‌دارد و فرآیند انتقال پیام به درستی شکل می‌گیرد. به همان میزان اگر در انتخاب افراد اشتباه و کج سلیقگی صورت گیرد، مخاطب در همان اولین برخوردها با مجری، برنامه را پس می‌زد، کانال را تغییر می‌دهد و دیگر هم سراگی از آن نمی‌گیرد.

برنامه‌های گفت‌وگو محور شبکه‌های مختلف سیما، بخش مهم و حجیمی از کنداکتور تلویزیون را به خود اختصاص داده‌اند. این برنامه‌ها در هر حوزه‌ای که باشند، به یک یا چند مجری نیاز دارند تا ساکن و نبض برنامه را به دست بگیرند. گفت‌وگوها با مهمان‌ها را هدایت کنند و در مواقع ضروری خصوصاً در برنامه های زنده واکنش درست و به موقعی از خود نشان دهند.

و البته چنین سرمایه ای برای هر شبکه تلویزیونی ساده و آسان به دست نمی‌آید. گاه سال‌ها صبوری، آموزش و صرف سرمایه لازم است تا شبکه‌ای به یک مجری کاربلد و محبوب دست یابد و آن وقت، تازه زمان بهره مندی تلویزیون از ستاره ای است که در سپهر رسانه ای به مخاطب معرفی کرده است.

مجری گاه با تکرار حضور در برنامه ها، به آنچنان شهرت و محبوبیتی دست پیدا می‌کند که بسیاری از بازیگران با سال‌ها بازی در فیلم و سریال‌های مخاطب پسند هم به گرد پایش نمی‌رسند. برخی از مجری‌ها حتی قابلیت آن را داشته‌اند که به یکی از پرزندهای تلویزیونی بدل شوند و به لحاظ توان همراه کردن مخاطب، امضای یک برنامه خاص باشند.

نگاهی به مجری‌هایی که در دو دهه اخیر به مخاطب تلویزیون معرفی شده‌اند، ثابت می‌کند که تلویزیون در شناسایی و معرفی این افراد، عملکرد نسبتاً قابل قبولی داشته و توانسته کاری کند که مخاطب به خاطر یک مجری پیگیر برنامه‌ها باشد. اما اینکه تلویزیون در نگهداری و مدیریت ستاره‌هایی که در دل خود متولد کرده، چقدر موفق بوده، موضوعی است که با نگاهی به سرنوشت چند تن از مشهورترین مجری‌ها و گوینده‌های دهه های اخیر تلویزیون می‌توان به راحتی و به صراحت به آن پاسخ داد.

عادل فردوسی پور، علی درستکار، نجم الدین شریعتی، احسان کریمی، رضا رشیدپور، محمدرضا شهیدی فرد، محمود شهریاری، سونیا پوریان، آزاده نامداری، عبدالرضا امیراحمدی، نجمه چودکی، صبا راد، فرژاد حسینی، فرژاد جیشیدی و …

اسامی که در بالا از نظر گذرانید، چند تن از مجری‌های تلویزیون در دو دهه اخیر بوده‌اند که هر کدام در حیطه تخصصی خود، برنامه‌های برمخاطبی را اجرا کردند. افرادی که با هزینه و زمانی که تلویزیون برایشان صرف کرد و آنتنی که در اختیارشان گذاشت، رشد کردند و قد کشیدند. اما در حال حاضر از میان اسامی بالا چند نفر را به صورت مستمر و فعال در تلویزیون می‌بینید؟

چرا تلویزیون از مجریانش مراقبت نمی‌کند؟

افول ستاره‌های سیما

افول ناگهانی ستاره‌های تلویزیونی در عرصه اجرا و گویندگی، حالا دیگر موضوعی غافلگیرکننده و دور از ذهن نیست؛ رویه‌ای است که در سال‌های اخیر بر اثر تکرار مکررات، قایل پیش‌بینی اما همچنان برای مخاطب و فعالان این حوزه پریسش برانگیز و آزردهنده است. نمونه اخیر این رفتن‌های غیرمنتظره، خداحافظی مجری «اسمت خدا». نجم‌الدین شریعتی است که اگرچه موقت به نظر می‌رسد، اما عده‌ای از مخاطبان علاقمند به برنامه‌های مذهبی را نگران کرده است.



برخی از این افراد مدت‌هاست رنگ اجرا را به خود ندیده‌اند و برخی دیگر ممکن مسابقه‌تلویزیونی یا اجرای یک برنامه‌مناسبتی، به‌چشم‌ان بختورنداما بسیار کم فروغ تر از قبل

تلاش روندی در جهت منافع رسانه است؛ چراکه می‌توانند پیامی را که گاه با صرف مبالغی هنگفت در قالب فیلم و سریال به مخاطب خود منتقل کنند، به واسطه یک فرد-مجری. در عرض چند ثانیه به بهترین و تاثیرگذارترین شکل ممکن ارائه دهند. اینگونه است که مجری‌ای مثل لری کینگ، سال‌ها یک برنامه را در شبکه سی ان ان اجرا می‌کند یا اپرا وینفری ۲۵ سال یک برنامه را اجرا کرده و ستاره گفت‌وگوهای تلویزیونی می‌شود.

موضوع تنها کنار گذاشتن مجری‌های جوان و تازه به بار نشسته نیست، کنار گذاشتن مجری های بازنشسته و سابقه‌به نیز معضل دیگری است که برخی از جمله محمدرضا حیاتی- گوینده سابقه‌تلویزیون- به آن اشاره کرده‌اند. حیاتی در این خصوص به ایسنا گفته است: «متأسفانه در حال حاضر بازنشسته‌ها را به سازمان راه نمی‌دهند. بازنشسته‌ها اگر بخواهند دیداری با همکارانشان داشته باشند، اجازه ندارند وارد محل سازمان صداوسیما شوند و کارت‌های بازنشستگی گیت‌ها (دره‌ای ورودی) را باز نمی‌کند.»

سرنوشت تلخ پشت درهای بسته ماندن پس از سال‌ها تجربه کاری، این روزها گریبان بسیاری از گوینده‌ها و مجریان تلویزیونی را گرفته است. این در حالی است که تلویزیون می‌توانست با مدیریت کارآمد و دلسوزانه

بهترین زمان برای فیلم‌بین‌های حرفه‌ای

طی روزهای اخیر متوجه شویم.

این بوفه‌دار به ایرنا گفت: پنجشنبه و جمعه هفته گذشته، به اندازه‌ای آدم به این سینما آمده بود که اگر سوزن به بالا می‌انداختی، به پایین نمی‌رسید. گویا مردم از طریق رسانه‌ها متوجه شده بودند که دیگر از شنبه، فیلم‌های کم‌دی نمایش داده نمی‌شود و به همین دلیل، استقبال بهتری از فیلم‌ها به نسبت آخر هفته‌های دیگر به عمل آوردند. وی ادامه داد: از شنبه، سینما سوت‌وکور شد که این خلوتی، روی فروش ما هم تاثیر گذاشته. شاید باورش سخت باشد اما فیلم‌های کم‌دی، فقط در سینماها مخاطب ندارند بلکه بیشترین میزان فروش ما، بابت نمایش این فیلم‌هاست. مخاطبان فیلم‌های کم‌دی، تقلقات بیشتری می‌خرند و حالا که فیلم‌های اجتماعی به روی پرده است، اگرچه در ساعات عصر و شب، با ازحکام کمی مواجه هستیم اما همین میزان جمعیت نیز ترجیح می‌دهند فقط فیلم تماشا کنند و خریدی از مائمی کنند.

بهترین زمان برای فیلم‌بین‌های حرفه‌ای

رضا که به همراه دوست خود برای تماشای علفزار به این پردیس آمده، به ایرنا می‌گوید: تمایلی به تماشای فیلم‌های کم‌دی ندارم چون معتقد هستم آن چیزی که در ایران تحت عنوان کم‌دی ساخته می‌شود، اصلاً کم‌دی نیست و به همین دلیل، همواره تلاش می‌کنم تا در روزهایی غیر از سه‌شنبه، پنجشنبه و جمعه به سینما بیایم تا با این ازحام مواجه نشوم.

رضا ادامه می‌دهد: اگرچه صنعت سینمای ایران با این فیلم‌ها می‌چرخد اما به نظر من فیلم‌بین‌های اصیل، تمایلی به تماشای این آثار ندارند و به همین دلیل، سینمای اجتماعی را که طی سالیان اخیر، توفیقات و افتخارات بسیار زیادی در سطح جهان به دست آورده را برای تماشا انتخاب می‌کنند و به همین دلیل زمان فعلی، بهترین زمان برای فیلم‌بین‌های حرفه‌ای است.

تا آخر هفته، هر روز به سینما می‌رویم

مهسا به همراه دوستش، فیلم طلاخون را برای تماشا انتخاب کرده

فرهنگ و هنر

خبر

زنگ خطری جدی برای تعزیه



یک هنرمند قدیمی با انتقاد فراوان از حذف واحد آموزشی تعزیه در دانشگاه‌ها گفت: در زمینه تعزیه به صورت جدی اعلام خطر می‌کنم زیرا آخرین نسل تعزیه‌خوانان را از دست می‌دهیم، کرده‌ایم اینکه تجربیات آنان به نسل بعدی منتقل شده‌باشد.

مهدی دریایی در گفتگو با ایسنا از بی توجهی نهادهای مرتبط با تعزیه ابراز تاسف کرد و بابت برخی از بدعت‌هایی که در اجرای این هنر اتفاق می‌افتد، هشدار داد.

او با انتقاد از عملکرد وزارت علوم بابت حذف دو واحد آموزشی تعزیه در دانشگاه‌های هنری گفت: پرسش جدی من از وزارت علوم این است که چرا این دو واحد را حذف کردید؟! چرا به فرهنگ بومی و ملی کشور این گونه آسیب می‌زنید؟ هزار واحد درسی برای تئاتر شرق و غرب تعریف کرده‌اید اما همان واحد آموزش تعزیه در شکل حذف کرده‌اید. من در دانشگاه تدریس نمی‌کنم ولی بابت این وضعیت، دلم می‌سوزد.

او با ابراز تاسف از اعمال برخی بدعتها در اجرای تعزیه ادامه داد: بابت این همه نواوری های غیر اصولی احساس خطر می‌کنم. ما امروز بچه‌خون نداریم و دختر بچه‌ها در تعزیه بچه‌خوانی می‌کنند. بعضی گروه‌ها با گریه دختر بچه‌های تعزیه‌خوان، می‌خواهند از مردم گریه بگیرند. اما به چه قیمتی از مردم گریه می‌گیرند؟ به قیمت دروغ و حقه بازی؟ از طرف دیگر در تعزیه از موسیقی غربی استفاده می‌کنند. اینها همه جای تاسف دارد چون اگر تعزیه در شکل درست خود اجرا شود، نیازی به این حقه‌بازی‌ها نیست.

دریایی که مقالات پژوهشی متعددی در زمینه تعزیه نوشته است، اضافه کرد: هیچ یک از متولیان فرهنگی دلسوز تعزیه نیستند. همه آنان نگاهی سلیقه‌ای و مقطعی به این هنر دارند. وقتی پای ثبت جهانی تعزیه به میان بیاید، میراث فرهنگی، تعزیه را از ان خود می‌کنند. در محرم صفر و ماه رمضان هم وزارت ارشاد چند اجرای تعزیه تارک می‌بیند. اوقاف و سازمان تبلیغات و حوزه هنری هم در مناسبت‌ها، گوشه چشمی به تعزیه دارند‌اما نگاه همه آنان مقطعی و مناسبتی است و بیشتر در فکر بیلان کاری هستند اما کسی به صورت ریشه‌ای به این هنر توجه ندارد.

او با ابراز تاسف از اینکه نهادهی برای آموزش تعزیه نداریم، افزود: در حال حاضر تعزیه اجرا نمی‌شود بلکه شبیه تعزیه اجرا می‌شود، چون گروه‌های به اجرای برنامه می‌پردازند که به درستی آموزش ندیده‌اند و آموزه‌های نسل قبلی به آنان منتقل نشده است. این هنرمند قدیمی با تاکید بر نقاط قوت تعزیه در قیاس با تئاتر خاطرنشان کرد: کدام هنری است که این چنین با تماشای خود ارتباط برقرار کند. شما باید کلی تلاش کنید تا مخاطب یک بازیگر را در نقش معاویه یا مالک اشتر ببیند اما در تعزیه بدون هیچ کوششی، تماشاگر همه شبیه‌ها را باور می‌کند و حالا حیف نیست که به این هنر که هنر بومی کشورمان است و چنین قدرتی دارد، این گونه بی اعتنائی کنیم؟

او با انتقاد از جای خالی آموزش تعزیه در دانشگاه‌ها ادامه داد: نه تنها. دانشکده هنرهای سنتی تاسیس نشد بلکه همان دو واحد آموزش تعزیه را هم حذف کردند. در حالی که باید پژوهشکده‌ای تخصصی در این زمینه داشته باشیم که به صورت اصولی، به دانشجویان آموزش بدهد.

دریایی با اشاره به برگزاری سوگواره بین المللی شبیه‌خوانی که به تازگی برپا شده است، افزود: به همین سوگواره هم این نقد وارد است که ملاک انتخاب آثار چه بوده است؟ در همین رویدادها هم مناسبات غیر حرفه‌ای وجود دارد، نتیجه همه اینها آسیب بیشتر به تعزیه است. او با اشاره به کارکردهای اجتماعی هنر شبیه‌خوانی یادآوری کرد: شبیه‌خوانی که فقط تعزیه و سوگورای نیست، بلکه کارکردهای اجتماعی و سیاسی بسیاری دارد که هرگز به آن توجه نمی‌شود چون ما فقط به فکر بیلان کاری هستیم.



جامعه امروز را محسوس دانست و افزود: با رشد تکنولوژی‌های نوین اساسا سبب مصرف‌خوار دستخوش تغییرات قرار گرفته‌است. حتی در گزارشی که اشاره کردید، وی او دی‌ها باعث کاهش گرایش مخاطب به ماهواره‌ها شده‌اند و ما به درستی می‌توانیم از این ظرفیت با محتوا سازی درست و هدفمند، ضمن حفظ وجوه سرگرم کننده و تفریحی، به کارکردهای فرهنگی و اجتماعی آن نیز فکر کنیم.